انترناسیونال ۶۲۳

کاظم نیکخواه

**طرح "یارانه هوشمند":  
هم شکست اقتصادی و هم سیاسی**

جمهوری اسلامی با این طرح قرار بوده است کلا سوبسید کالاهای اساسی را قطع کند و ریاضت اقتصادی کامل را به مردم تحمیل کند. اکنون با مرحله دوم یارانه ها عملا بخش اعظم این سوبسید ها قطع شده است و قیمتها از سه سال پیش تا کنون حداقل سه برابر شده است. روشن است که وقتی قیمتها بالا میرود و قدرت خرید مردم به نصف و یک سوم کاهش می یابد پولش به جیب یک مشت سرمایه دار و تاجرو بازاری میرود. این نفع طرح یارانه ها برای طبقه بازاری و سرمایه دار است. اما این برای حکومتی که اقتصادی فلج و زمین گیر شده دارد زمینش میزند، راه حل نمیشود. حکومت قرار بوده است صندوقش را پر کند. قرار بوده است حرکتی در اقتصادش ایجاد کند. قرار بوده است تولید را که به حد توقف نزدیک شده تکانی بدهد. اما هیچکدام از اینها اتفاق نیفتاده است. پرداخت یارانه نقدی قرار بوده است یک راه حل موقت باشد و به تدریج به صفر برسد. الان مانده اند چه کنند. اگر یارانه ها را قطع کنند با شورش مردم مواجه میشوند. اگر قطع نکنند باید از صندوق ذخیره و دزدیهایشان بزنند و خرج مردم کنند. و در عین حال پیه اعتراضات بر سر افزایش گرانی را به تن بمالند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی اخیرا اعلام کرد که طی سال ٩٢ مصرف مردم ٢٠ درصد کاهش یافته است. میتوان تصور کرد که کاهش واقعی مصرف بیش از این بوده است. و این کاهش به معنای چه فجایع و مشقاتی برای خانواده های کارگری و مردم محروم میباشد. خشمی که در جامعه در اثر این فشارها و مشقات جمع شده است قابل تصور نیست.

طرح یارانه های هوشمند برای جمهوری اسلامی فقط یک شکست اقتصادی نیست. بلکه یک شکست سیاسی هم هست. مردم خشمگین تر و عاصی تر شده اند. زبان مردم بحق روی حکومت درازتر شده است. اعتراضات و مبارزات گسترش یافته است. شکاف درون حکومتی ها افزایش یافته است. این طرح حکومتی ها را در برابر مردم به حالت تدافعی انداخته است. همین مدت چند ماهه صد جور حرف زدند و قول دادند و پس گرفتند. الان هم جرات نمیکنند بگویند بالاخره سقف درآمدی برای پرداخت یارانه نقدی چقدر است. از مردم میترسند.

حتی اگر بخواهیم فقط از زاویه اقتصادی نگاه کنیم، با شکست طرح یارانه ها فقط عوارض بلافصل این طرح و شکست آن نیست که گریبان حکومت را میگیرد. مساله اینست که این طرح یک برنامه و طرح “جامع” و “کارشناسانه” و (آخرین آن) برای نجات اقتصاد از گرداب فروپاشی بود. با بن بست و شکست طرح یارانه ها امید بهبودی در اقتصاد برای سران و کارشناسان جمهوری اسلامی باقی نمیماند. همه طرحها را امتحان کرده بودند و این آخرینش بود که قرار بود مدل ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را پیاده کنند.

در یک کلام حقیقت اساسی اینست که برای هرگونه بهبود اقتصادی باید خود حکومت و ریخت و پاشها و سیاستها و دم و دستگاه فاسدش در هم پیچیده شود. واقعیت هرروز دارد این حقیقت را به وضوح جلوی چشم همه مردم قرار میدهد.\*